

بدايات كلام و غايات ختام ذكر سلطان عما و مليک بهاست ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۲۱۹

بدايات كلام و غايات ختام ذكر سلطان عما و مليک بهاست جلّ عنايته و عظم احسانه و لا اله غيره و بعد عرض ميشود که مثل جناب شما که از اوراق شجره الهیه و از اثمار سدره کینونیه ظاهر شدید و از کؤوس سنا مرزوق و از کأوب حمرا مشروب گشته‌اید چرا باید از سرائر امور الهیه و ظواهر کلمات صمدانیه محبوب گردید و از مقصود اصلی و مطلوب روحانی دور شوید همچو گمان نشود که غرضی در هویت این کلمات مستور و خیالی در سر اشارات مکنون است قسم بخدائیکه این عبد را بر بساط حبّ جالس نمود و بر ثمارق و دّ مستریح فرمود که آنچه ذکر شده از جواهر عنایت و سواذج مکرمست منزّه از ملاحظه غیریت و مقدّس از مشاهدۀ کیفیّت است انظر الی قرون الأولى و فکر فیما نزل الله فیها علی اهلها لم وقع الخلاف بینهم و بم اعرضوا عن وجهته و ابعدوا عن صراطه و افسدوا فی امره و اشركوا مع سلطان وحدته و صاروا من الهالکین أ سمعت ان یحو دین الله من قبل ان یثبت او ینسخ حکم الله من قبل ان یظهر قل ما لکم کیف لا تعرفون و لا تشعرون لا فوربی ربّ السموات و الأرض لن یقدر احد ان ینسخ حرفاً ممّا نزل فی البیان من عند الله المهیمن القیوم و کتب علی نفسه بأن یثبت کلّ ما حدّد فی الکتاب من عنده ولكنّ الناس لا یعلمون و لا یفقهون ان یا حبیب انصف بالله ثمّ اجعل محضک بین یدیه هل کتبت البیان کما امرک الله محبوبک محبوب العارفين لا فوعمرک ما کتبتّه و ما اطعته فیما امرت من عنده و صرت من المتوقّفين بل اردت ان تبعد الناس عن امره و نهیه و تكون من المبعدين أ رضیت بالذی استهزء بالله و اعرض عن حضرته و ابعد عن صراطه و اغفل عن ذکره و صار من المعرضین قل اما تستحی عن الله الذی خلقک و ربّاک و جعلک ملکاً لتذکر الناس بأیام الله و تكون من الذاکرین و اتبعت بما تهوی نفسک و تولّیت عن حکم الله ربّی و ربّک ربّ العالمین فاقراً علیهم ما نزل من قبل ان تکفرون انتم و من علی الأرض جمیعاً ان الله لغنی حمید فوربّ السموات و الأرض لو اجتمع کلّ من فی السموات علی الألوهیه و کلّ من علی الأرض علی الریویّه لن یقدروا و لن یتطیعن ان یزلن حرفاً ممّا نزل الله فی الکتاب قل ما لکم کیف لا تتنبّهون و لا تعرفون فوالذی نفسی بیده ما ارید فی تلك الکلمات الاّ حبیّ لنفسک و ودی لجنابک والاّ ما لی و شأنی بأن اتذکر من کان هو خیر المذکورین ولكنّ لما شاهدت نسیانک عن عهدک لذا القیت علیک ما لا یلقیک احد من العالمین لتعرف حقّ الله فی تلك الاّیام و تدارک ما فاتک و تكون من المحسنین و الحمد لله ربّ العالمین در هر حال این ایام رضای ایشان محبوب است و کل در قبضه قدرت اسیرند مفرّی برای نفسی نیست و امر الله را باین سهلی ندانید که هر کس هوسی در او اظهار نماید حال از اطراف چندین نفس همین ادعا را نموده‌اند زود است که خواهید دید که شجره استقلال بسلطان



ORIGINAL

جلال و ملیک جمال خود لم یزل و لایزال باقی خواهد بود و کلّ اینها فانی و مفقود بل معدوم کأن لم یکن شیئاً مذکوراً
هباء خواهند گردید اذا انا لله و انا الیه راجعون

و اگر مصلحت بدانید از قول این عبد خدمت جناب میرزا تکبیر برسانید و بعد عرض کنید که آیا رایات اختلاف از
کلّ جهات مرتفع نشده و فساد این اصحاب عالم را فاسد نه نموده همین بس نیست چگونه جمع اینها ممکنست اینست که
در کلّ کتب و کلّ رسل مکتوب و مقررست لا تشرک بعبادة ربّک احداً مثل شما باید بجمع مراتب ناظر باشید دیگر
مختارید ما انا الا ناصح امین و السلام علی الموقنین